خبرگزاری دانشگاه آزاد اسلامی آنا
Azad News Agency (ANA)

کد خبر: ۲۰۴۸۰۸
دوشنبه ۳۰ اسفند ۱۳۹۵ ۱۰:۰۰

صدای سازهایی که خاموش شدند

در سالی که روزهای پایانی‌اش را سپری می‌کنیم هنرمندان زیادی از حوزه موسیقی کشور به دیار باقی شتافتند که نامشان همواره بر خاطره‌ها خواهد ماند.

به گزارش خبرنگار فرهنگی آنا، در سال ۱۳۹۵ هنرمندان درخشانی چون فرهنگ شریف، علی‌محمد بلوچ، حبیب محبیان و سلیم موذن‌زاده اردبیلی از حوزه موسیقی را از دست دادیم، در این گزارش ضمن اشاره به کارنامه و فعالیت هنری افراد، یاد بخشی از این اهالی موسیقی را گرامی می‌داریم.

غلامحسین آبتین (۵ مرداد۱۳۳۳ ، آمل/۱۶ خرداد۱۳۹۵ ، آمل)

در روز عاشورا به دنیا آمد، به همین خاطر اسمش را گذاشتند غلامحسین و با عشق امام حسین(ع) بزرگ شد. در ۲۵سالگی به موسیقی روی آورد و طی چهارده ماه، نوازندگی هفده نوع ساز را به‌طور کامل آموخت. سپس نوازندگی را ادامه داد و در ساخت آهنگ‌های فراوانی مشارکت داشت، اما مهم‌ترین اثرش مارش عزای عاشورایی است، مارشی که با شنیدنش دل می‌لرزد و اشک بر گونه‌ها جاری می‌شود.

هنر آبتین به موسیقی خلاصه نمی‌شد. او مهارت زیادی در خوشنویسی به‌خصوص در خط نستعلیق داشت. کنجی می‌نشست و اشعاری از سعدی، مولانا، حافظ و محتشم کاشانی را با خطی خوش می‌نوشت. سرانجام آبتین در ۱۶ خرداد ۱۳۹۵ به‌دلیل بیماری سرطان درگذشت.

غلامعلی آقاپور (۹ فروردین ۱۳۲۵، مشهد۶/ تیر ۱۳۹۵، مشهد)

آهنگ‌سازی برایش جدی‌ترین و دوست‌داشتنی‌ترین کار دنیا بود. این حرفه را نزد اساتیدی همچون مصطفی کمال‌پورتراب و کامبیز روشن‌روان آموخت. سپس دست به کار شد و در دهه شصت آهنگ‌های بسیاری ساخت. بخشی از این آهنگ‌ها مربوط به دورانی است که برای صدا و سیمای استان خراسان، موسیقی کودک و نوجوان می‌ساخت. همین موسیقی‌ها سبب شد که به کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان تهران بیاید و در کنار داوود کیانیان به ساخت موسیقی بپردازد. آقاپور همچنین داوری جشنواره‌های سرود آهنگ‌های انقلابی استان و کشور را در دوره‌های مختلف بر

عهده داشت.

او که عاشق تدریس بود، در کنار آهنگ‌سازی، به‌عنوان دبیر هنر استخدام آموزش و پرورش شد. او معتقد بود آموزش موسیقی باید از مدارس شروع شود و خود نیز گام‌هایی در این زمینه برداشت تا اینکه بازنشسته شد. بعد از بازنشستگی تدریس را رها نکرد و در آموزشگاه موسیقی خود، پیانو درس می‌داد. آقاپور عضو هیأت مدیره انجمن صنفی هنرمندان موسیقی خراسان بود و سال‌های سال برای تحقق حقوق قانونی موسیقی‌دانان تلاش می‌کرد. او در ۶ تیر ۱۳۹۵ درگذشت.

فایق ایزدی(حمه‌ملا) (۲۰ دی۱۳۳۲، روستای دروه‌ران، مریوان/ ۲۶ اردیبهشت ۱۳۹۵، مریوان)

از کودکی دل در گرو شعر و شاعری داشت. در شانزده‌سالگی آواز خواندن را در شهر پنجوین عراق آغاز کرد. طولی نکشید که صدایش بر دل مردم مناطق کردنشین نشست و مشهور شد. از آن به بعد به حمه‌ملا معروف شد.

حمه‌ملا به مراسم‌های شادی و غم مردم شور می‌داد. او در بندگویی مهارت خاصی داشت. حمه‌ملا شعرهای ترانه‌هایش را خود می‌سرود و در فکاهی‌گویی شهرت خاصی داشت. آثاری همچون شکار، لاک‌پشت، خرگوش، کندوی عسل، بژوینه و... نمونه‌ای از آثار فکاهی او هستند اما کار او به فکاهی محدود نبود. او با روحیه طنزپرداز خود از واقعیت‌ها و مسائل جامعه استفاده می‌کرد و با زبان طنز آن‌ها را به نقد می‌کشاند. حمه‌ملا با استادانی مثل عثمان هورامی، کریم کابان، عین‌الدین، جافر زلکه‌ای و... همکاری می‌کرد و همراه بزرگان موسیقی محلی کردی، برای اجرای کنسرت بارها به خارج از کشور سفر کرد. فعالیت‌های ایزدی همچنان ادامه داشت تا این‌که به‌دلیل نارسایی کبدی در ۲۶ اردیبهشت ۱۳۹۵ درگذشت.

عباس ایمانی (۱۳۶۲، اصفهان/ ۲۰ آبان ۱۳۹۵، اصفهان)

مهندس عمران بود. در اصفهان زندگی می‌کرد و در یک شرکت مخابراتی مشغول بود. تا اینکه از کار بی‌کار شد. از آن‌جا که هنر منبت در اصفهان رونق دارد، ایمانی به یادگیری آن پرداخت و خیلی زود این هنر را یاد گرفت. سپس برای کمک به پژوهش دوستش، با ساز کمانچه آشنا شد و در اندک زمانی یاد گرفت که چه‌طور این ساز را بسازد.

او در این زمینه پیشرفت زیادی داشت، تا جایی که کارگاهی را در خانه جواهری اجاره کرد و تمام توان خود را بر روی ساخت کمانچه گذاشت. فعالیت‌های ایمانی در این زمینه او را به نوازندگان بزرگ ساز کمانچه معرفی کرد و از آن‌ها نواختن کمانچه را آموخت. ایمانی درست زمانی که شاهد به بار نشستن زحماتش بود، بر اثر سکته مغزی در ۲۰ آبان

۱۳۹۵ درگذشت.

علی‌محمد بلوچ (۶ مرداد۱۳۳۳ ، چابهار/۳ دی ۱۳۹۵، چابهار)

با نوای قیچک بزرگ شد. وقتی به پانزده‌سالگی رسید، عمویش استاد غلام‌حیدر، نواختن این ساز را به او یاد داد. سپس با صدای استاد کمال‌خان هوت همراه شد تا به تاریخ شفاهی و داستان‌های حماسی مردم بلوچ رنگ دهد، این همراهی چهل سال طول کشید.

بلوچ نه‌تنها با استاد کمال‌خان، بلکه با خوانندگان زیادی همراهی می‌کرد: اسحاق بلوچ‌نسب، گل‌محمد بلوچی، لعل‌بخش پیک و... تعدادی از این خوانندگان هستند. او که در زمینه‌های سرود بلوچی، گواتی (موسیقی‌درمانی)، زهیروک‌های بلوچی و انواع رپرتوارهای سُوت و نازنیک، نواختن انواع سازهای محلی بلوچ استاد بود، با هنر خود و با توجه به زمینه‌های فرهنگی مشترک، هم با مردم ایران و هم با مردم پاکستان ارتباط برقرار می‌کرد. نوای ساز قیچک او همواره به گوش می‌رسید تا اینکه در ۳ دی ۱۳۹۵ بر اثر عارضه قلبی درگذشت.

هادی پاکزاد۱۳۶۱) ، مشهد۷ / خرداد۱۳۹۵ ، مشهد)

از نخستین خوانندگان سبک راک و آلترناتیو ایران بود. پیش از اینکه به موسیقی روی آورد، شعرهای کلاسیک و کتاب‌های فلسفی می‌خواند. در هفده‌سالگی با شرکت در کلاس‌های هارمونیک و موزیک کیوان علایی و کلاس پیانو و گیتار استاد ناصر توفیقی، وارد دنیای موسیقی شد. پاکزاد همزمان با موسیقی از دانشگاه فردوسی مشهد لیسانس عمران گرفت. علاوه بر این‌ها، او شعر هم می‌سرود.

او نخستین آلبومش را با کمک موسیقی‌دان‌های محلی، بر پایه شعرهای خودش، در یک استودیوی خانگی تولید کرد. پس از آن، چند آلبوم دیگر هم تولید کرد و به شهرت رسید. پاکزاد در دی ۱۳۸۲، برای نخستین بار در مشهد به روی صحنه رفت و محبوبیتش دوچندان شد. در ۱۳۸۴ هم دو کنسرت بزرگ در مشهد برگزار کرد. تلاش او برای پیشرفت در موسیقی سبب شد که سرانجام در سال ۱۳۹۴، آلبوم تاریکی که مجموعه‌ای از آلبوم‌های قبلی او بود، مجوز بگیرد و منتشر شود. اما این آلبوم برای سراینده و خواننده‌اش خوش‌یمن نبود و پاکزاد در ۷ خرداد۱۳۹۵ درگذشت.

شاهرخ پورمیامین (۲۳ تیر ۱۳۴۹، تهران/۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۵، تهران)

بیشتر خواننده‌های پاپ او را می‌شناختند و با او کار می‌کردند: محمد اصفهانی، علیرضا عصار، فرمان فتحعلیان، محسن چاوشی، فرزاد فرزین و... خاطره‌های خوبی از همکاری با او دارند. پورمیامین گیتار را با تمام وجود و با عشق می‌نواخت. در آلبوم‌های با مردم بیگانه فرمان فتحعلیان، پرچم سفید محسن چاووشی، کوچ علیرضا عصار، نون و دلقک محمد اصفهانی و... همچنین در ترانه‌های خوشگل عاشق فریدون آسرایی، من خود آن سیزدهم محسن چاوشی، شلیک بی‌هدف محسن یگانه و... صدای گیتار پورمیامین شنیده می‌شود. پورمیامین پس از تحمل یک دوره بیماری به‌دلیل تومور مغزی در۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۵ درگذشت.

حسن پیغان (۴ آبان ۱۳۵۵، بندرعباس/ ۹ تیر ۱۳۹۵، بندرعباس)

اهل جنوب بود و با موسیقی نفس کشیده و رشد کرده بود. با رضا صادقی و شادروان ناصر عبداللهی رفاقت داشت، اجرای مشترک قطعه‌ی هم‌وطن با رضا صادقی نشانه این رفاقت است. پیغان گرچه پاپ می‌خواند، به موسیقی بومی هرمزگان علاقه‌مند بود و تلاش می‌کرد تا ترانه‌های بومی را به گوش همه برساند. او طی این سال‌ها سه آلبوم پشیمون، یار منی و دوستم داری را منتشر کرد که با استقبال مردم مواجه شد. تعصب پیغان به زادگاه خود سبب شد که او به آموزش هنرش روی آورد، همچنین در کارهای عام‌المنفعه فعال باشد و به‌خاطر همین، نزد مردم هرمزگان بسیار محبوب بود. حسن پیغان در ۹ تیر ۱۳۹۵ در اثر ایست قلبی درگذشت.

یدالله تیموری (۲۸ مرداد۱۳۱۸ ، کرمانشاه/ ۱۰ آبان ۱۳۹۵، کرمانشاه)

پدرش، استاد عبدالله تیموری همیشه تنبور در دست داشت و صدای این ساز از خانه‌شان بلند بود، به خاطر همین، تمام فکر یدالله تیموری شد تنبورنوازی. علاوه بر این، تیموری شاگرد استاد سیدقاسم افضلی شد و از او کلام‌ها، مقام‌ها و نظم‌های تنبور را آموخت. او سال‌ها تنبور نواخت و دیگر آن را زمین نگذاشت، اما در کنار این، همواره در پی آموزش موسیقی بود. جلیل جهانگرد و جمیل رحمتی از شاگردان شاخص تیموری هستند که توانسته‌اند با هنرشان حق شاگردی را به‌جا بیاورند. تیموری علاوه بر آموزش موسیقی، چند جشنواره با موضوع موسیقی نواحی برگزار کرد تا صدای گوش‌نواز تنبورش را به گوش همگان برساند. همچنین او برای تحقق این هدف، دو اثر موسیقیایی به نام‌های شیخ امیری و طرز رستم، پیرامون مقام‌های باستانی تنبور، به‌ویژه در منطقه‌ی گوران را تولید کرد، که این دو اثر توسط مؤسسه آوای حنانه

در دست انتشار است. صدای ساز تیموری در ۱۰ آبان ۱۳۹۵ به‌دلیل بیماری ریوی برای همیشه خاموش شد.

مهران جبارایمانی (۲۰ دی ۱۳۳۶، بجنورد۲۸/ تیر ۱۳۹۵، بجنورد)

هشت‌ساله بود که پای رادیو می‌نشست، برنامه‌ی گل‌ها را گوش می‌کرد. دلش می‌خواست ساز بزند، اما چون ساز نداشت، ته کوزه را برید، پوست روی آن کشید و با آهنگ‌هایی که از رادیو پخش می‌شد، ضرب می‌گرفت. استعداد او ذاتی بود، پدرش آوازخوان و دایره‌زن بود و پدربزرگش دایره و آکاردئون می‌نواخت. استعداد جبارایمانی سبب شد در یازده‌سالگی به سراغ استاد محمود باغبان، شوهرعمه‌اش، برود و ویولن را نزد ایشان بیاموزد. دیگر استادهای جبارایمانی خمبر و داوود گنجه‌ای بودند، کسانی که از او هنرمندی تمام‌عیار در ویولن‌نوازی ساختند. اجرای کنسرت بیات ترک گروه اداره‌ی ارشاد در سال ۱۳۷۴، کنسرت شور و دشتی گروه بهاران در ۱۳۷۹، کنسرت راست‌پنج‌گاه گروه بهاران در ۱۳۸۰، آهنگ‌سازی و اجرای موسیقی متن شب سیزدهم در ۱۳۸۳، آهنگ‌سازی و اجرای موسیقی متن عشق‌آباد در ۱۳۸۱ بخشی از آثار متعدد جبارایمانی است.

او در کنار نوازندگی، به آموزش هنرش هم می‌پرداخت. دو پسر او، دانوش و حسام، شاگردان جبارایمانی بودند که راه او را ادامه می‌دهند. از جبارایمانی حدود صد ساز ویولن به یادگار مانده که آن‌ها را با ابزارهای ساده و چوب‌های مختلف ساخته است. زندگی جبارایمانی که با عشق به ویولن رنگ گرفته بود، به‌دلیل بیماری سرطان در ۲۸ تیر ۱۳۹۵ به پایان رسید.

رضا جهانی (فروردین ۱۳۶۱، قزوین/ ۲۷ آبان ۱۳۹۵، قزوین)

زبان انگلیسی را دوست داشت و در رشته مترجمی درس خواند. از شانزده‌سالگی در کنار تحصیل، نواختن سه‌تار را هم یاد گرفت. ابتدا استاد نداشت، ولی بعد شاگرد نادر نظری (از هنرآموختگان جلال ذوالفنون) شد. او در ۱۳۷۹ به‌طور خودآموخته نوازندگی تار را هم تمرین کرد و به سطحی رسید که گروه پژواک او را برای همکاری دعوت کرد و جهانی ده سال در این گروه نواخت. او همچنین با گروه فاخته همکاری داشت که حاصل این همکاری آلبومی است که به مناسبت بزرگداشت اسماعیل‌خان مهرتاش، با صدای فردین طاهری ضبط شد، جهانی نوازنده تار در قطعات این آلبوم بود. علاوه بر این، او با گروه‌های مختلفی از جمله پارس، ارغنون نو، فریاد، نواحی ایران، رها، عارفانه، گروه موسیقی مقامی مهرآیین و... همکاری داشت.

او در سال ۱۳۸۸ گروه خجسته را بنیان نهاد و در تابستان همان سال نخستین کنسرت از ساخته‌ها و تنظیم‌هایش را در

قزوین برگزار کرد. جهانی همراه این گروه‌ها در کنسرت‌های مختلفی در کشورهایی همچون روسیه، اسپانیا، الجزایر و فیلیپین برنامه اجرا کرد. او با اینکه به بیماری سرطان خون مبتلا شده بود، عشق به تار و سه‌تار او را زنده نگه داشته بود تا این‌که در ۲۷ آبان ۱۳۹۵ درگذشت.

مسیح‌الله رضایی (۲۰ اسفند۱۳۱۳ ، آویج/۵ مرداد۱۳۹۵ ، تهران)

یکی از عاشیق‌های ایل شاهسون بود. اقوام این ایل ترک‌زبان در ساوه، قم، همدان، قزوین، البرز، تهران و فارس در رفت و آمد هستند و برخی ساکن شده‌اند، به‌خاطر همین، عاشیق مسیح‌الله رضایی را خیلی‌ها می‌شناختند. او بیش از سی داستان از داستان‌های ایلش را برای مردم می‌خواند. مردم ایل، او را بزرگ‌ترین و مشهورترین خنیاگر معاصر شاهسون می‌دانستند.

رضایی نقش بسیار مهمی در حفظ و اعتلای شعر، ادبیات و موسیقی فولکوریک ترک‌زبانان داشت. او علاوه بر هنرنمایی در مجالس شادی و پند و اندرز مردم، در چندین دوره از جشنواره‌های موسیقی محلی و نواحی کشور حضور داشت و علاوه بر مردم ترک‌زبان، دیگر مردمان را با فرهنگ ایل خود آشنا می‌کرد، تا اینکه در ۵ مرداد۱۳۹۵ بر اثر کهولت سن درگذشت.

مسعود زنگنه مجد۲۵) تیر ۱۳۲۶، کرمانشاه/۳۱ مرداد۱۳۹۵ ، کرمانشاه)

هفت‌ساله بود که شروع کرد به آموختن موسیقی. تا سیزده‌سالگی آن‌قدر آموخته بود که بتواند مبانی موسیقی را به شاگردانش آموزش دهد و در ارکستر رادیویی کرمانشاه فلوت بزند. در هفده‌سالگی به ارکستر گل‌های رادیو رفت و نخستین آهنگش را ضبط کرد. حالا استعداد او به همه ثابت شده بود، به‌خاطر همین، استاد حسن رادمرد پذیرفت که به او نحوه تنظیم ارکستر و آهنگ‌سازی را یاد دهد. زنگنه سپس شاگرد استاد مصطفی کمال پورتراب شد و هارمونی و سازشناسی را از ایشان یاد گرفت.

زنگنه به‌طور تخصصی روی فلوت تمرکز کرده بود و برای نخستین بار تمام ردیف‌های موسیقی را با فلوت کلیددار نواخت. او به فلوت قناعت نکرد و در نواختن بیشتر سازها مهارت یافت. زنگنه پس از کسب تمام مهارت‌ها، به اداره فرهنگ و هنر کرمانشاه رفت و سال‌های متمادی سنتور، فلوت و آواز درس می‌داد. علاوه بر این، رهبر ارکستر و آهنگ‌ساز رادیوی کرمانشاه نیز بود. زنگنه از سال ۱۳۵۷ به بعد، پس از تشکیل مرکز حفظ و اشاعه موسیقی در کرمانشاه، مدیریت این مرکز را بر عهده گرفت و در راستای ارتقای موسیقی محلی کوشید. یکی از کارهای او، تشکیل گروه‌های موسیقی بود. همچنین زنگنه شاگردان بسیاری را در زمینه‌های مختلف موسیقی تربیت کرد؛ شاگردانی که در زمان جنگ

به کمک او آمدند و سرودهای برادر بسیجی، گلوگاه تفنگ و باز هوای وطن را ساختند. در سال‌های آخر، به‌دلیل سرطان معده و مری کمتر کار می‌کرد تا اینکه بر اثر همین بیماری در ۳۱ مرداد۱۳۹۵ درگذشت

اکبر سلیمی تبار (۱۳۰۵، تهران/ ۲۳ دی ۱۳۹۵، تهران)

خودش و برادر بزرگش، استاد سلیم‌فرزان سلیمی‌تبار، به موسیقی علاقه‌مند بودند. برادرش زودتر از او وارد دنیای موسیقی شد. اکبر پس از تحصیلات ابتدایی، به هنرستان عالی موسیقی رفت و از کلاس استادانی همچون قریب و افشار بهره برد. سپس وارد دانش‌سرا شد و پس از پایان تحصیلات، به‌عنوان هنرآموز سرود و موسیقی به استخدام آموزش و پرورش درآمد. از آن به بعد، در مدارس تهران درس می‌داد و در کنار تدریس با ارکسترهای برادران معارفی، مجید وفادار و امیری همکاری می‌کرد.

او همچنین در ۱۳۴۱ به ارکستر رادیو گل‌ها رفت و به‌عنوان نوازنده قره‌نی مشغول به کار شد. علاوه بر این‌ها، سلیمی‌تبار با ارکستر حیدری، ارکستر مهرافشان، ارکستر عماد رام و ... همکاری می‌کرد. او قریحه شاعری نیز داشت، مجموعه گلبرگ، دربردارنده اشعار او است. سلیمی‌تبار که تمام عمر خود را صرف آموزش موسیقی کرد، در دانشگاه شیراز، دانش‌سرای هنر زاهدان و... نیز به آموزش مشغول بود. او سال‌های آخر در منزلش به شاگردان نواختن انواع سازهای بادی همچون قره‌نی، فلوت، ترومپت و ساکسیفون را می‌آموخت تا این‌که در۲۳ دی ۱۳۹۵ به‌دلیل ایست قلبی درگذشت.

فرهنگ شریف (۱ فروردین ۱۳۱۰، آمل/ ۱۷ شهریور ۱۳۹۵، تهران)

از کودکی تار می‌زد و نواختن این ساز را در مکتب عبدالحسین شهنازی و مرتضی نی‌داوود یاد گرفت، ولی به سبک هیچ‌کدام نمی‌نواخت و سبک خودش را داشت. قدرت دست شریف در بداهه‌نوازی و تک‌نوازی به قدری بود که در دوازده‌سالگی به برنامه گل‌ها رفت، تک‌نوازی کرد و اجرای او به‌طور زنده از رادیو پخش شد.

او با ابداعاتی که در نحوه انگشت‌گذاری و مضراب‌زنی در نقاط مختلف سیم‌های تار انجام داد، از تار صدایی کاملاً متفاوت درآورد. استفاده از ظرفیت‌های تار در صدادهی‌های متنوع، سکوت‌های سنجیده، آفرینش جملاتی فارغ از قالب‌های ردیف، جواب‌های کوتاه و مؤثر، اجرای ماهرانه‌ی انواع کشش‌ها و مالش‌های طولی و عرضی که ریشه در روش‌های ویولن‌نوازی ایرانی دارد، تکیه بر خیال آزاد و قدرت ایجاد موقعیت‌های خلسه‌آور در هنگام تک‌نوازی و آفرینش کوک‌های گوناگون اختصاصی از ویژگی‌های برجسته هنر نوازندگی فرهنگ شریف به‌شمار می‌رود. تمام این‌ها سبب شد که صدایی که از تار شریف درمی‌آمد، از هیچ تاری شنیده نمی‌شد. به‌خاطر همین صدای منحصر به فرد بود که به او گواهی درجه یک هنری، معادل دکترا دادند. هنر شریف فقط در داخل کشور شناخته‌شده نبود. او بارها در آلمان و انگلستان کنسرت‌های پژوهشی برگزار کرد و در دانشگاه‌های معتبر آمریکا نیز کرسی استادی داشت. فرهنگ شریف در ۱۷ شهریور ۱۳۹۵ به‌دلیل از کار افتادن ریه درگذشت.

محمد ابراهیم شریف‌زاده (۵ خرداد۱۳۱۵ ، باخزر/۲۳ آبان ۱۳۹۵، باخزر)

از کودکی به قرائت قرآن علاقه داشت، برای همین، در مکتب‌خانه قرآنی درس خواند و بعدها علاقه‌اش را با اذان گفتن و مکبری در مساجد ادامه داد. مردم کم‌کم به صدایش دل بستند و شریف‌زاده به وادی موسیقی مقامی خراسان وارد شد. او با همکاری غلامحسین سمندری، دوتار نواز باخزری، شصت سال نغمه‌های دل‌انگیزی به گوش مردم رساند که آلبوم‌های موسیقی خون‌پاش و نغمه‌ریز نتیجه این همکاری است. قطعات سرو خرامان، دلبر رعنا و منقبت‌خوانی، همچنین غزلیات در مدح پیامبر(ص) و امام رضا(ع) از به‌یادماندنی‌ترین یادگارهای شریف‌زاده هستند. مستند دلبر رعنا روایتی است از زندگی این استاد آواز مقامی خراسان که یاد او را زنده نگه می‌دارد و نمی‌گذارد صدایش به فراموشی سپرده شود، صدایی که در ۲۳ آبان ۱۳۹۵ خاموش شد.

مهران قاضی (۳ مرداد۱۳۵۲، اصفهان/ ۲۷ فروردین ۱۳۹۵، اصفهان)

استاد حسن کسایی در هر محفلی می‌نشست، مهران قاضی را به‌عنوان بهترین شاگردش در نی‌نوازی معرفی می‌کرد. استعداد قاضی ذاتی بود. او نوه مرحوم استاد باباعباس قاضی از هنرمندان معروف شعر و موسیقی اصفهان بود. البته فقط استعداد در موفقیت او مؤثر نبود، بلکه استعداد قاضی نزد استادانی همچون حسن ناهید، محمدعلی کیانی‌نژاد، جلال قاضی پرورده شد.

قاضی که از سال ۱۳۶۷ نی‌نوازی را به‌طور رسمی آغاز کرده بود، سال‌ها هنرش را به نمایش گذاشت. نوازنده برتر در جشنواره موسیقی جوان کشور در دو سال متوالی، نفر برتر جشنواره موسیقی استان اصفهان در رشته آهنگ‌سازی، نوازندگی نی و مدیریت گروه، مقام اول گروه موسیقی سماع در جشنواره بین‌المللی موسیقی فولکلور جهان در ترکمنستان در دو سال پیاپی، تنها بخشی از موفقیت‌های قاضی است. قاضی نه‌تنها مردم ایران را به شنیدن نوای نی‌اش مهمان می‌کرد، بلکه در آلمان، قطر، چین، امارات متحد عربی نیز به اجرای موسیقی پرداخت. دو سالی بود که قاضی کم‌کار شده بود و با بیماری سرطان مبارزه می‌کرد. سرانجام به‌دلیل همین بیماری در ۲۷ فروردین ۱۳۹۵ درگذشت.

احمدعلی کامران‌فر (۵ مرداد۱۳۲۳، شوشتر/۲۹ شهریور ۱۳۹۵، اهواز)

از کودکی به صدای تار دل بست و برای یادگیری این ساز نزد استاد عبدالمحمد برجسته (عدول برجسته)، یکی از

ردیف‌دان‌های بزرگ موسیقی جنوب ایران، رفت. مهر کامران‌فر بر دل استاد نشست و همین علاقه سبب شد که او در ایام پیری استاد، از ایشان نگهداری کند.

او سپس شاگرد استاد جلیل شهناز شد و از ایشان بسیار آموخت. کامران‌فر پس از آموختن فنون و ریزه‌کاری موسیقی، تدریس را آغاز کرد.

او نوازندگی و مقام‌های موسیقی شوشتر را آموزش می‌داد و در پنج سالی که ریاست انجمن موسیقی خوزستان را بر عهده داشت، برای ارتقای موسیقی محلی بسیار تلاش کرد. او یک گروه موسیقی سنتی تشکیل داد و به‌خاطر دلبستگی به نخستین استادش، اسم گروه را برجسته گذاشت. این گروه با خوانندگی سیدمحمد مرعشی در جشنواره‌های مختلف کشور شرکت کرده و ترانه‌های محلی خوزستان را اجرا کردند. کامران‌فر که یکی از استعدادهای موسیقی محلی خوزستان به‌شمار می‌رفت، در ۲۹ شهریور ۱۳۹۵ به‌دلیل سکته قلبی و مغزی درگذشت.

محمدخلیلی کسایی (۲۰ دی ۱۳۵۱، اصفهان/ ۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۵، اصفهان)

در خانه نی ایران به دنیا آمد. از کودکی با نوای نی بزرگ شد. پدرش استاد حسن کسایی، نوازنده نی و سه تار بود، از این رو، دست و دهان محمدخلیل هم خیلی زود با این ساز آشنا شد. فنون نوازندگی را نزد پدرش، جلیل شهناز، علی تجویدی و محمد طاهرپور یاد گرفت. او در کنار نی‌نوازی خوش‌نویسی را از نصرالله معین و شعر و ادبیات را از منوچهر قدسی آموخت. کسایی همزمان با آموختن هنر، در رشته مهندسی عمران از دانشگاه صنعتی اصفهان مدرک کارشناسی ارشد گرفت. با همه این‌ها نی‌نوازی عشق زندگی کسایی بود. او که پیرو سبک نی‌نوازی پدر بود، در کنسرت‌های زیادی نی نواخت و آثار زیادی از خود به‌جای گذاشت. از او آلبوم آفتاب در نیستان منتشر شده است و آلبوم‌های بعدی نیز در دست انتشار است. کسایی علاوه بر نی‌نوازی به پژوهش در موسیقی هم علاقه داشت. او وقتی دید میراث پدر در دست فراموشی است، تلاش کرد با تهیه فیلم آموزشی، تمامی ظرایف و لطایف نی‌نوازی و تکنیک‌های پدرش را ثبت کند.

برای همین کار، علاوه بر پرسش‌های خودش، پرسش‌های نوازندگان و ردیف‌دانان نی را از گوشه و کنار جمع کرد، با پدر در میان گذاشت و استاد حسن کسایی به همه آن‌ها پاسخ داد. نتیجه این کار فیلمی یک و نیم ساعته شد که در آن ظرایف و دقایق نی‌نوازی و انواع تکنیک‌ها به‌طور مستقیم از زبان استاد بیان شده است. این فیلم که اسلوب نوازندگی نی نام دارد، در دست تدوین است. تلاش‌های محمدخلیل کسایی برای رساندن صدای نی به گوش مردم، همواره ادامه داشت تا این‌که در ۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۵ بر اثر ایست قلبی درگذشت.

مصطفی کمال پورتراب (۱۳۰۳، تهران/ ۲ تیر ۱۳۹۵، تهران)

ابتدا به هنرستان عالی موسیقی رفت و تا زمانی که دیپلمش را بگیرد، نواختن سازهای متنوعی مانند فاگوت را از یاروسلاوبیزا، ویولن را از حشمت سنجری و عطاالله خادم میثاق و تار را از موسی معروفی یاد گرفت. او همچنین تئوری موسیقی ایرانی را نزد روح‌الله خالقی آموخت، آواز گروهی را از آموزش‌های روبیک گریگوریان و سرایش را از آموزش‌های فریدون فرزانه و پاتما گریان یاد گرفت. پس از آن، از پرویز محمود آهنگ‌سازی را آموخت و این رشته را در هنرستان ادامه داد. پس از پایان تحصیلات به فرانسه رفت و دوره‌های تکمیلی را گذراند. در بازگشت به ایران، با کوله‌باری از تجربه تدریس موسیقی را آغاز کرد.

او در سال ۱۳۴۰ سرپرستی یکی از ارکسترهای وزارت فرهنگ و هنر ایران را به عهده گرفت. همچنین در فاصله سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۲ مدیر هنرستان موسیقی ایران شد. بعد از انقلاب اسلامی، او به تدریس خصوصی هارمونی و کنترپوان روی آورد و بعد از گذشت چند سال، در دانشگاه هنر و دانشگاه آزاد به‌عنوان استاد استخدام شد. کمال پورتراب علاوه بر تدریس، سه کتاب نوشت که تئوری موسیقی پرخواننده‌ترین این کتاب‌ها است. او همچنین بیش از ده کتاب درباره موسیقی ترجمه کرد. کمال پورتراب که عضو هیأت مؤسس و نایب رئیس شورای عالی خانه موسیقی ایران بود، در سال ۱۳۸۷ به‌عنوان چهره ماندگار موسیقی ایران معرفی شد. کمال‌پورتراب در ۲ تیر ۱۳۹۵به‌دلیل ایست قلبی درگذشت.

علی راست کمال‌وند۱۳۱۵) ، خرم‌آباد۱۸ / دی ۱۳۹۵، خرم‌آباد)

مردم هم‌زبانش را به شور می‌انداخت. چنان می‌خواند که کسی هم که لری و لکی نمی‌دانست، با او هم‌صدا می‌شد و سر ذوق می‌آمد. سبک خاص کمال‌وند، استفاده از کلمات لری و لکی اصیل، خواندن اشعار قدیمی شاعر بزرگ لر، میرنوروز، خواندن اشعار سروده خودش و موسیقی اصیل لری و لکی مهرش را بر دل مردم نشانده بود. همین محبوبیت ترانه‌هایش سبب شد که این ترانه‌ها بارها توسط خواننده‌های دیگر بازخوانی شود، ترانه‌هایی همچون دختر پینه چنه، بزران، سر چشمه خرموه خرو بایی، لاشش پلنگ پوس، اروه‌های بسیار زیبا، خورموه بی وه بهاره و... . طی این سال‌ها کمال‌وند موفق شد فقط یک آلبوم به بازار بدهد، آلبوم کرانشینی در سال ۱۳۷۲. صدای کمال‌وند گرم بود و دل مردم را گرم می‌کرد تا این‌که در ۱۸ دی ۱۳۹۵ درگذشت.

جواد لشگری (۹ مهر ۱۳۰۲، تهران/ ۱۷ فروردین ۱۳۹۵، تهران)

ویولن زدن را نزد ابوالحسن صبا و مهدی خالدی یاد گرفت. بعد برای یادگیری ردیف‌های موسیقی ایرانی به کلاس احمد فروتن راد رفت. سپس به رادیو رفت. در آن‌جا به آهنگ‌سازی روی آورد و در ۱۳۲۶ آهنگ فتنه را بر روی شعر رهی‌معیری ساخت. این آهنگ یک‌شبه او را به شهرت رساند، پایش را به ارکسترهای مهدی خالدی، مرتضی محجوبی، ابراهیم منصوری و حسین یاحقی باز کرد و جایگاهش را در رادیو ارتقا داد. لشگری از ۱۳۳۲ به مدت سه سال سرپرست ارکستر بزرگ رادیو بود. علاوه بر این، حدود۳۵۰ آهنگ برای خوانندگان مختلف ساخت که تعداد زیادی از آن‌ها جزو

بهترین آهنگ‌های ایرانی هستند، آهنگ‌هایی همچون نوای دل، تنهایی، لاله صحرایی، تو بخوان، خنده گل، زورق شکسته، چون موی تو، به یاد صیاد، رؤیا، خوش آمدی، فصل گل، گل میخک و... . لشگری در سال ۱۳۴۷ به ارکستر گل‌ها رفت و به آهنگ‌سازی و نوازندگی ادامه داد. حاصل تلاش او طی این سال‌ها را در آلبوم‌های خوش آمدی ،گل میخک و عشق گمشده می‌توان شنید. او همچنین جلد اول آثار خود را با شعر شعرای تراز اول، به نام صد آهنگ چاپ کرد که جلد دوم آن نغمه‌های دل‌انگیز نام دارد و جلد سوم آن را هم در دست تهیه داشت تا این‌که در ۱۷ فروردین ۱۳۹۵ به‌دلیل کهولت سن، در ۹۳سالگی درگذشت.

حبیب محبیان (۴ مهر ۱۳۳۱، تهران/ ۲۱ خرداد۱۳۹۵ ، روستای نیاسته، کتالم، رامسر)

ترانه مرد تنهای شب را می‌خواند و می‌رفت، پشت سرش را هم نگاه نمی‌کرد. انگار از همه عالم و آدم دلخور بود و داشت همه‌چیز و همه‌کس را ترک می‌کرد. همین جنس تنهایی حبیب محبیان بر دل مردم نشست و او را مشهور کرد. حالا دیگر همه او را به اسم کوچکش می‌شناختند، حبیب.

حبیب قبل از ساخت آلبوم مرد تنهای شب، همسر و مادرش را از دست داده بود و با سوز دل ترانه‌های مادر و خرس کوکی را به یاد مادر، شهلای من و خواب سرخ بوسه‌ها را به یاد همسرش و نگاهم را به یاد هر دو خوانده بود. گرچه حبیب با آلبوم مرد تنهای شب مشهور شد، سال‌های سال بود که گیتار می‌زد، او زیر نظر مرتضی حنانه اصول موسیقی را یاد گرفت و بعد به‌عنوان خواننده در تلویزیون استخدام شد.

چند سال پس از انقلاب اسلامی، حبیب از ایران رفت و در لس‌آنجلس به فعالیت‌هایش ادامه داد. تا اینکه در سال ۱۳۸۸، با نوشتن نامه‌ای به رئیس‌جمهوری وقت ایران، خواستار بازگشت به کشورش شد که با موافقت ضمنی و پذیرفتن بعضی شرایط، به ایران برگشت و در رامسر ساکن شد. اما سهم حبیب از بازگشت به وطنش فقط آب و هوای خوب رامسر بود، نه شعر و ترانه. سرانجام قلب او در ۲۱ خرداد۱۳۹۵ از حرکت ایستاد و او تنها به تاریکی شب پیوست.

ناصر مهرورز (۲۴ شهریور ۱۳۲۴، همدان/۴ اردیبهشت ۱۳۹۵، همدان)

از کودکی به موسیقی علاقه داشت. در جشنواره‌های مدارس شرکت می‌کرد و در نمایش‌هایی مثل موسی و شبان آواز می‌خواند. اما استعداد او زمانی کشف شد که به‌عنوان معلم به شهر قروه رفته بود. در آن‌جا وقتی دیدند مهرورز استعداد خوبی در زمینه آوازخوانی دارد، او را به انستیتوی هنر تهران فرستادند و او دو سال از بورس تحصیلی استفاده کرد. سپس

به هنرستان عالی موسیقی رفت و نواختن ساز ویولن را آموخت. او در ۱۳۵۲ به همدان بازگشت و معلم و کارشناس هنری شد. در کنار معلمی، خود نیز شاگرد اساتید بزرگی همچون آسایش و نصرالله ناصح‌پور بود و ده سال تمام دستگاه‌ها و ردیف‌های آوازی را آموخت. بعد از آن به شاگردان زیادی ویولن یاد داد. او در دهه شصت چند کنسرت در همدان برگزار کرد. این کنسرت‌ها آغازی بود برای کنسرت‌های بعدی که در استان همدان برگزار شد. مهرورز در ۱۳۶۸ در جشنواره‌ی موسیقی فجر رتبه برتر را کسب کرد.

همچنین در ۱۳۷۴، همراه نوازندگان گروه میلاد به چین و کره جنوبی رفت و کنسرت‌هایی را برای معرفی موسیقی ایرانی اجرا کرد. او در سال‌های گذشته به‌دلیل غده‌ای که در سرش بود، با مشکلاتی مانند لکنت زبان مواجه شد، با این حال، آواز می‌خواند و همچنان کوه‌نوردی می‌کرد تا اینکه در ۴ اردیبهشت ۱۳۹۵ به‌دلیل سانحه‌ای که در کوه برایش اتفاق افتاد، درگذشت.

سلیم مؤذن‌زاده اردبیلی (۱۵ مهر۱۳۱۵، اردبیل/ ۲ آذر۱۳۹۵، اردبیل)

صدای خوش را از اجدادش به ارث برده بود. شیخ فرج اردبیلی، پدربزرگش، و شیخ کریم، پدرش و سه برادرش همه خوش‌صدا و مداح اهل بیت بودند. سلیم مؤذن‌زاده اردبیلی از نوجوانی استعداد عجیبی در مداحی، نوحه‌خوانی، مولودی‌خوانی، اذان و قرائت قرآن مجید داشت و همین استعداد سبب شد نام مؤذن‌زاده اردبیلی در دل و ذهن مردم بنشیند.

او حنجره‌اش را وقف حضرت سیدالشهدا(ع) کرد و معتقد بود استفاده از این حنجره در زمینه‌های دیگر درست نیست، به‌خاطر همین، روزانه پنج ساعت مداحی می‌کرد۲۵۰۰ . نوار کاست و سی‌دی از مداحی‌های مؤذن‌زاده به سه زبان عربی، فارسی و آذری حاصل سال‌ها تلاش او است. مؤذن‌زاده با حفظ روش‌های قدیمی و با توجه به اصالت فرهنگی، سبک‌های جدیدی را در مداحی ابداع کرد. اساتید موسیقی دانشگاه‌های کشور آذربایجان صدایش را لاهوتی می‌دانند؛ صدایی که هر صد سال یک بار در جهان پدیدار می‌شود. اوج این صدا را می‌توانید در مداحی زینب زینب بشنوید. مؤذن‌زاده اردبیلی تا پایان عمر به عشق ائمه خواند تا این‌که در ۲ آذر ۱۳۹۵ به‌دلیل ایست قلبی درگذشت.

عباس نیرومند (۱ مرداد ۱۳۱۰، سنندج/ ۷ مهر ۱۳۹۵، سنندج)

فقط به موسیقی فکر می‌کرد، ولی امکانات آموزشی در سنندج کم و گران بود، برای همین در هفده‌سالگی به استخدام

ارتش درآمد، به دسته موزیک لشکر ۲۸ کردستان پیوست و شاگرد استاد سرهنگ جلیل مقدم شد. استاد مقدم او را با قره‌نی (کلارینت) آشنا کرد و وقتی استعداد نیرومند را دید، او را برای شرکت در دوره‌ای شش‌ماهه آموزش تئوریک موسیقی به تهران فرستاد. نیرومند در این دوره، رتبه اول را کسب کرد. سپس به سنندج بازگشت، تا پایان عمر در این شهر ماند و برای ارتقای موسیقی شهرش تلاش کرد. فعالیت‌های او از سال ۱۳۳۰ با نواختن در نخستین ارکستر رادیو شروع شد. با گشایش تلویزیون، نیرومند به ارکستر تلویزیونی پیوست.

نیرومند همزمان با نوازندگی، نواختن سازهای سنتی را به شاگردانش آموزش می‌داد. یکی از مهم‌ترین کارهای نیرومند، اجرای برنامه‌های موسیقی در سراسر دبیرستان‌های سنندج و تنظیم و اجرای برنامه‌هایی با تلفیقی از سازهای سنتی و سازهای بادی و آهنگ‌های سنتی بود. او همچنین در تشکیل دسته موسیقی و ارکستر جاز برای شاگردانش تلاش می‌کرد .اکنون شاگردان نیرومند در ارکسترهای بزرگ و مشهور ساز می‌نوازند، گرچه خود او ده سالی بود که بازنشسته شده بود و به شنیدن موسیقی اکتفا می‌کرد. عباس نیرومند در ۷ مهر ۱۳۹۵به‌دلیل کهولت سن درگذشت.